

نقش مدیریت انتظامی سواحل در امنیت عمومی

(مورد مطالعه: استان مازندران)^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۱۰

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۵/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۱۵

مهراب ریاحی سامانی^۲، عبدالله هندیانی^۳ و سید مهدی احمدی بالادهی^۴

چکیده

زمینه و هدف: امروزه مدیریت انتظامی نقش مهم و تأثیرگذاری در تأمین امنیت نوار ساحلی دارد. برقراری نظم و امنیت در بیشتر شهرها به‌ویژه شهرهای ساحلی و مدیریت آن‌ها در زمان شلوغی، به مقوله‌ای بحث‌برانگیز به‌خصوص در فصول خاص سال تبدیل شده است. ارزیابی صحیح کارکرد، ساختار و آرایش فضایی خدمات انتظامی و امنیتی در شهرهای ساحلی و ارائه الگوهای مناسب از نواحی جرم‌خیز و مشخص کردن نواحی پرخطر، می‌تواند عملکردهای عناصر شهری را روان‌تر و پویاتر کند. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش، نقش مدیریت انتظامی سواحل در امنیت عمومی استان مازندران است.

روش: این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، پیمایشی از نوع توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش جمعیت بالغ بر هشت میلیون نفر بومیان و گردشگران بالای ۱۵ سال است که به‌نحوی از ساحل استفاده می‌کنند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر به‌صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق‌ساخته است که توسط اساتید و کارشناسان امر مورد تأیید واقع شد. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ برابر با ۰/۰۹ محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمعیت‌شناسی، از آمار توصیفی و برای تجزیه و تحلیل استنباطی از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، آزمون تی تک متغیره و آزمون فریدمن بهره گرفته شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین مدیریت انتظامی سواحل و امنیت عمومی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که بین مؤلفه‌های انتظامی سواحل یعنی مدیریت انتظامی پیشگیرانه محیطی، مدیریت انتظامی مبتنی بر مشارکت مردمی و مدیریت انتظامی مبتنی بر سازمان‌های مردم‌نهاد و امنیت عمومی در استان مازندران رابطه معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: امنیت عمومی، مدیریت انتظامی، سواحل، مشارکت.

□ **استناد:** ریاحی سامانی، مهراب؛ هندیانی، عبدالله؛ احمدی بالادهی، سید مهدی (پاییز، ۱۳۹۵). نقش مدیریت انتظامی سواحل در امنیت عمومی

(مورد مطالعه: استان مازندران). *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، ۱۱(۳)، ۳۶۹-۳۴۹.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده فرماندهی و ستاد دانشگاه علوم انتظامی امین می‌باشد.

۲. کارشناسی ارشد مدیریت انتظامی (نویسنده مسئول). M.riahi1342@gmail.com.

۳. دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین.

۴. کارشناس ارشد مدیریت دولتی گرایش منابع انسانی

مقدمه

نیاز به امنیت عمومی در شهرها همواره از بنیادی‌ترین نیازهای بشر و مسئله وقوع جرم از مهم‌ترین مسائل جامعه بشری به‌شمار آمده است. با افزایش و پیچیدگی جوامع، شرایط تأمین این نیاز و برطرف کردن این مسئله نیز پیچیده‌تر شده است. در گذشته و نیز در جوامع ساده روستایی معاصر به‌لحاظ وجود روابط چهره‌به‌چهره و حاکم بودن نظارت‌های اجتماعی خودجوش، احساس امنیت عمومی بیشتری وجود داشته و در نتیجه زمینه‌های وقوع جرم در حداقل ممکن بوده است؛ ولی در جوامع شهری به‌ویژه جوامع شهرهای ساحلی، به‌دلیل نبود نظارت‌های کامل اجتماعی، زمینه‌های احساس ناامنی یکی از مهم‌ترین مسائل شهرهای ساحلی محسوب شده به‌موجب آن شرایط برای وقوع جرایم بسیار مستعدتر است. تحولات دهه‌های اخیر سبب شده تا امکانات جدید شهرهای ساحلی امروز مانند گذشته قادر به تأمین آرامش و امنیت شهروندان نباشد. شهرهای ساحلی به‌دلیل تمرکز بالای جمعیت و فعالیت‌های خارج از مقیاس انسانی و فراوانی تجهیزات، از شاخص‌های آرامش و امنیت فضای شهری کم‌کم فاصله گرفته‌اند. عواملی که موجب تهدید، کاهش یا حذف امنیت عمومی در شهرها می‌شوند، بی‌شمارند و برخی فضاهای شهری ظرفیت بالایی در تهدید امنیت شهرها دارند. به‌دلیل ازدحام جمعیت به‌ویژه در روزهای تعطیل، تجاوز به فضای شخصی افراد و نقض امنیت آن‌ها، همواره آمار بالایی دارند. به‌عبارتی امروز امنیت عمومی به‌عنوان مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین اصل در تدوین راهبرد توسعه ساحلی در جهان به‌شمار می‌آید. صنعت ظریف و پیچیده گردشگری ساحلی ارتباط همه‌جانبه‌ای در سطوح ملی و منطقه‌ای داشته و هرگونه بروز ناامنی و به‌کارگیری خشونت در سطوح مختلف زیان‌های جبران‌ناپذیری به این صنعت وارد می‌سازد. به‌عنوان مثال یک سرمایه‌گذار در زمینه گردشگری ساحلی و یا کارشناسان یک کمپانی سرمایه‌گذار بین‌المللی در قالب گردشگر به آن منطقه سفر می‌کنند، اگر در ارزیابی کارشناسی خود محیط و مقصد موردنظر از ویژگی امنیتی لازم برخوردار نباشد، به این نتیجه خواهند رسید که گردشگر در این منطقه امنیت مالی و جانی ندارد و سرمایه خود را منتقل نخواهند کرد. در زمان‌های اوج گردشگری (مانند تعطیلات نوروز) در شهرها باید کلیه سازمان‌ها (مانند نیروی انتظامی، شهرداری، و ...) با همکاری یکدیگر تمام تلاش خود را برای حفظ امنیت گردشگران فراهم

آوردند تا موانعی بر سر راه رشد و توسعه این صنعت به وجود نیاید (احمدی بالادهی، ۱۳۹۲).

مفهوم احساس امنیت یکی از شاخص‌های کیفیت زندگی در شهرهاست و آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین پیامدهای امنیت به‌شمار می‌روند. «الین» می‌گوید: اگر مردم فضایی را به دلیل راحت‌نبودن و یا ترس استفاده نکنند، عرصه عمومی از بین رفته است. یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده حضور مردم در فضاهای عمومی، ترس از احساس ناامنی است. ناامنی مکان‌ها و فضاهای عمومی، نشاط و سلامتی را در زندگی روزمره مختل می‌کند و با ایجاد مانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی، هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کند (کامران، ۱۳۸۸). گردشگری در دنیای جدید به‌عنوان صنعتی مهم در امر توسعه اقتصادی کشورها مدنظر تصمیم‌گیرندگان قرار گرفته است. در راستای تحقق این امر و گسترش آن، بی‌شک موضوع امنیت یکی از عوامل مهمی است که محققان توجه خاصی بدان کرده‌اند؛ زیرا هر انسانی که از او به‌عنوان گردشگر یاد می‌کنیم، در انتخاب مقاصد گردشگری خود، به اولین عاملی را که توجه می‌کند، وجود امنیت است. بر این اساس می‌توان بیان کرد که بدون امنیت، گردشگری حتی با بهترین بازاریابی، شکست خواهد خورد (صیدایی، ۱۳۹۰).

از مهم‌ترین مواردی که باید در مدیریت سواحل بسیار به آن تأکید کرد؛ بحث امنیت است؛ بنابراین در هر جامعه‌ای برخورداری از امنیت در هر سطحی به‌صورت پایدار و همه‌جانبه از اهداف اساسی هر نظام اجتماعی است و جامعه تا حد زیادی از بنیان‌های خود تأثیر می‌پذیرد. مؤلفه‌های اجتماعی از یک‌سو، روابط اجتماعی و کارکردهای جمعی را رقم می‌زنند و از سوی دیگر با توجه به جایگاه دولت یا حکومت در هر نظام اجتماعی، این نهاد اجتماعی می‌تواند نظام اجتماعی را در رسیدن به اهداف و عملی‌ساختن برنامه‌ها در هر بعدی کمک کند، با توجه به موارد یادشده می‌توان گفت که امنیت عمومی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اساسی و پایدار امنیت در هر جامعه‌ای است که هرچه میزان این مؤلفه در بین سایر عوامل پایدار امنیت قوی‌تر و بیشتر باشد، امنیت ملی پایدارتر، کم‌هزینه‌تر و شکوفاتر خواهد بود (نویدنیا، ۱۳۸۵). بررسی‌ها حاکی از آن است که در زمینه مدیریت انتظامی و امنیت عمومی، پژوهش‌های خوبی صورت گرفته است. هرچند در زمینه امنیت عمومی در سواحل به‌ویژه در سطح استان مازندران پژوهش‌های لازم و کافی صورت

نگرفته است، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که مدیریت انتظامی سواحل در امنیت عمومی استان چه نقشی را ایفا می‌کند؟

مبانی نظری: مدیریت انتظامی عبارت است از انجام سلسله فعالیت‌هایی برای نیل به اهداف سازمان پلیس با استفاده بهینه از منابع ورودی که عبارت‌اند از: نیروی انسانی، سرمایه، فناوری و مواد اولیه و اطلاعات از طریق انجام چهار وظیفه مهم مدیریتی یعنی برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت، رهبری و نظارت و کنترل (مصطفی‌نژاد، ۱۳۹۳). با توجه به تعریف یادشده، می‌توان گفت مدیریت انتظامی به مجموعه اقدامات سلبی و ایجابی پلیس گفته می‌شود که برای کنترل جرایم به کار گرفته می‌شود.

مدیریت انتظامی بر پایه اقدام‌های پلیسی برای حمایت از شهروندان آسیب‌پذیر، افزایش آگاهی‌های عمومی، نظارت بر اماکن عمومی و افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم مبتنی است. متولی اصلی این نوع اقدام‌ها، نیروی انتظامی است که برای تحقق آن، باید رویکرد جدیدی را نسبت به وظایف سنتی خود اتخاذ کند، زیرا مدیریت انتظامی بیشتر مبتنی بر تدابیر و اقدام‌های کنشی (پیش‌جنایی) توسط پلیس است و حال آن‌که وظایف سنتی پلیس بیشتر دربرگیرنده اقدام‌های واکنشی (پس‌جنایی) برای کشف و تعقیب مجرمان است. با توجه به آنچه بیان شد می‌توان مدیریت انتظامی را این‌گونه تعریف کرد: مجموعه تدابیر و اقدام‌های کنشی و واکنشی نیروی پلیس که با حمایت از افراد در معرض خطر، افزایش آگاهی‌های عمومی، نظارت بر اماکن عمومی، افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم و مداخله پس از وقوع جرم درصدد پیشگیری از ارتکاب جرم در جامعه است (ضرابی، ۱۳۸۹).

امنیت را به معنی ایمن شدن، در امان بودن، بی‌بیمی و به عبارت دیگر ایمنی، آرامش و آسودگی تبیین کرده‌اند (معین، ۱۳۸۶: ۳۵۴). امنیت در لغت به معنی رهایی از خطر، تهدید، آسیب، تشویش، اضطراب، هراس، ترس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تامین، ضامن و حائل است (نویدینیا، ۱۳۸۸). امنیت^۱ یک مسئله قدیمی و یک موضوع بسط‌یافته است (ویلکین، ۱۳۸۱). دغدغه امنیت، هم‌زاد اندیشه بشری است و بشر بیش از آن‌که درصدد استمرار

حیات و بقا باشد، به فکر ایجاد امنیت مناسب جهت تحکیم و تثبیت امور زندگی خود بوده است. مسئله امنیت هسته نهفته همه فعالیت‌های انسانی است و در مقاطعی دست‌یابی بیشتر به امنیت، ناامنی‌های زیادی را برای وی به دنبال داشته است. (توماس، ۱۳۸۲).

«بوزان» امنیت را قابلیت یک جامعه برای ادامه کارکرد در اندازه مطلوبش دانسته است. به گفته بوزان مفهوم ساده‌اندیشانه امنیت، چنان مانع مهمی در پیشرفت این بحث است که حتی می‌توان مدعی شد، همین نکته خود بخشی از مسئله امنیت است (بوزان، ۱۳۷۸). هرچند مفهوم امنیت مانند سایر مفاهیم اساسی و رایج در علوم اجتماعی نظیر صلح، عدالت، آزادی و قدرت در معرض تفسیرها و تعبیرهای گوناگون بوده است، با این وصف در مقایسه با مفاهیم دیگر به‌ویژه در ایران، دارای ادبیات فقیر، عقب‌افتاده، نحیف و لاغر و فاقد معنای روشن، واضح و مورد اجماع همگان است. جوزف بالاز^۱ (۱۹۸۵)، امنیت را به‌طور کلی به امنیت داخلی تعبیر می‌کنند که نقش اصلی آن تضمین قدرت سیاسی و اقتصادی طبقه حاکم خاص، یا بقای نظام اجتماعی و تأمین مقدار کافی از ایمنی عمومی است. لارونی مارتین^۲ (۱۹۸۳)، امنیت را تضمین‌کننده رفاه آتی می‌داند. در یک تعریف جامع می‌توان گفت: امنیت وضعیت و فرایندی است که در آن مناسبات اجتماعی بین افراد، نهادهای مدنی و دولتی، از ظهور، توسعه و نهادینه‌شدن فسادهای مختلف صیانت شده و در نتیجه شاهد کاهش ضریب ناامنی افراد از ناحیه عملکرد سایر بازیگران اجتماعی باشیم (افتخاری، ۱۳۸۴). در سطح کلان، امنیت عبارت است از: امنیت ملی و بین‌المللی.

در علم جرم‌شناسی، پیشگیری عبارت است از: الف. مقابل تبهکاری رفتن با استفاده از فنون گوناگون علمی و نظری. ب. مداخله در امور به‌منظور ممانعت از وقوع بزهکاری به‌شکل علمی. می‌توان گفت: مراد از پیشگیری، هر فعالیت ناشی از سیاست جنایی است که غرض انحصاری آن، محدود کردن امکان پیشامد اعمال جنایی از راه‌های گوناگون مانند غیرممکن‌ساختن یا دشوار کردن احتمال وقوع آن‌هاست، بدون این‌که از تهدید به کیفر یا اجرای آن، استفاده شود. پیشگیری در حقیقت از عمده‌ترین مباحث کلیدی در دو حوزه جرم‌شناسی کاربردی و حقوق جزا است.

1. Joseph balaz

2. Lurene martin

بنابراین تعریف ارائه شده از سوی دانشمندان حقوقی و جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان که دستیاران و مددکاران نهادهای حقوقی هستند، نیز متفاوت خواهد بود. از نقطه نظر علمی، منظور از پیشگیری هرگونه فعالیت سیاسی جنایی است که هدف انحصاری یا جزئی آن، محدودساختن امکان وقوع اعمال جنائی است که منجر به ناممکن ساختن یا دشوار کردن یا کاهش وقوع جرم باشد. بنابراین پیشگیری انتظامی بر اقدام‌های پلیسی برای حمایت از شهروندان آسیب‌پذیر، افزایش آگاهی‌های عمومی، نظارت بر اماکن عمومی و افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم مبتنی است (گسن، ۱۳۷۰).

ساحل در معنای خاص کلمه، به معنی قسمتی از جزایر یا خشکی‌های قاره‌ای است که با اقیانوس، دریا و یا شعبه‌های آب شور آن هم مرز است. از این رو سواحل را برحسب دسترسی به آب‌های آزاد، به سواحل آزاد یا پلاژیک^۱ که هم مرز با آب‌های آزاد و سواحل محصور^۲ مانند خلیج‌ها هستند، تقسیم می‌کنند. آنچه در این پژوهش ساحل گفته می‌شود این است که بسیاری از خبرگان علمی بر روی تعریف رایج از واژه ساحل توافق دارند، ولی گستره خشکی‌های موجود در تعریف نواحی ساحلی مطابق قوانین دولتی و علمی موضوعه در کشورهای مختلف و به دلایل سیاست‌های متنوع اقتصادی و اجتماعی متفاوت است. در نظر گرفتن خشکی به عنوان بخشی از نواحی ساحلی می‌تواند سبب بروز پیامدهای زیست‌محیطی شود که مانع برخی توسعه‌ها در نواحی ساحلی و یا پیوست برخی مقررات بر کاربری‌های موجود در این نواحی است.

سواحل دریای مازندران به عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق در ایران از نظر جذب گردشگر به‌شمار می‌آید. مناطق ساحلی آرام و ماسه‌ای به عنوان یکی از ظرفیت‌های جذب گردشگر در استان‌های شمالی کشور حائز اهمیت است. چشم‌اندازهای زیبای سواحل باعث ایجاد امتیازهای بالایی شده و در جذب و ماندگاری گردشگر در این محدوده بسیار مؤثر است، اما این جاذبه‌ها بدون برنامه‌ریزی تداوم نخواهند داشت.

با وجود این که اصطلاح امنیت عمومی در مواضع مختلفی از اسناد حقوق بشری به کار گرفته شده، اما تاکنون، هیچ‌یک از اسناد حقوق بشری تعریفی از این اصطلاح ارائه نکرده‌اند. علاوه بر این،

1. pelagic coast

2. sheltered coast

در حالی که در موارد متعددی، موضوعات مرتبط با مسئله امنیت عمومی در قالب مکاتبه (شکایت) با کمیته حقوق بشر در این نهاد نظارتی بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) مطرح شده و کمیته درباره آن‌ها اظهار نظر کرده، ولی با این حال، این کمیته هیچ‌گونه تعریف یا تفسیری از این اصطلاح ارائه نکرده است. اما در واژه‌نامه حقوق بشری، اصطلاح «امنیت عمومی» به معنای حمایت‌های دولتی از سلامت و رفاه عمومی و راهکارهایی که به منظور حمایت از ساکنان (جمعیت) کشوری اتخاذ می‌شود، تعریف شده است (کند.اچ، ۲۰۰۲).

به این ترتیب اصطلاح امنیت عمومی دارای مفهوم و معنای نسبتاً گسترده‌ای بوده، به گونه‌ای که حفظ و حمایت از این مقوله حتی می‌تواند شامل قواعد و مقرراتی که از ناحیه پلیس و دیگر نهادهای رسمی به منظور حمایت از ایمنی افراد درباره عبور و مرور و آئین‌نامه رانندگی و حمل و نقل یا شرایط و مقررات مربوط به کار، صادر می‌شود، نیز باشد. چنین مفهومی شامل امنیت حیثیت، حیات و حقوق مادی افراد می‌شود و با وجود آن که به‌عنوان معیاری برای سنجش نظم عمومی به وسیله دولت‌ها به کار گرفته می‌شود، اما این مقوله، امری مشابه نظم عمومی نبوده و با آن متفاوت است (همان).

امنیت انسانی دارای مقوله‌های متعدد و جلوه‌های مختلفی است. امنیت عمومی یکی از مهم‌ترین مقوله‌های مربوط به امنیت است. اهمیت مقوله امنیت عمومی به اندازه‌ای زیاد است که این امر به‌عنوان یکی از اهداف مشروع، برای محدود کردن اعمال برخی از حقوق و آزادی‌ها در نظام بین‌المللی حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته است. اصطلاح امنیت عمومی در اسناد حقوق بشری، بیشتر در کنار اصطلاحاتی چون امنیت ملی، امنیت شخصی، نظم عمومی، اخلاق عمومی، سلامت (بهداشت) عمومی و... مشاهده می‌شود، ولی با وجود ارتباط بین این اصطلاحات از ابعاد مختلف، معانی و مفاهیم آن‌ها با یکدیگر متفاوت بوده و هرکدام از آن‌ها دارای شرایط و ویژگی‌های خاص مربوط به خود هستند. امنیت عمومی پیش‌زمینه یک جامعه سالم و احساس امنیت، بسترساز توسعه جوامع انسانی است. امنیت چیزی جز تفاهم و مشارکت عمومی جمعیت ساکن یک واحد سیاسی برای رسیدن به رفاه عمومی نیست، نقش فعال پلیس و عملکرد هوشمندانه آن در هنگام خطر مهم‌ترین مؤلفه تأثیرگذار بر افزایش امنیت عمومی گردشگران و ساحل‌نشینان بوده است. اما این که چگونه پلیس می‌تواند امنیت را در جامعه و بین شهروندان و گردشگران

ایجاد کند، مقوله‌ای است که به میزان عملکرد پلیس و یا به عبارت دیگر، به عملکرد جامعه‌مداری یا جامعه‌محوری پلیس برمی‌گردد (احمدی بالادهی، ۱۳۹۲).

گاه امنیت عمومی به دلیل اینکه مرجع آن با امنیت اجتماعی یکسان است، یکی تلقی می‌شود، حتی تهدیدها و آسیب‌هایی که این دو گونه امنیت را مورد خطر قرار می‌دهد با توجه به این هم‌پوشانی یکی تلقی شده است. وقتی سخن از امنیت اجتماعی به میان می‌آید، بر بسترهای اجتماعی امنیت تأکید می‌شود، نباید آن را با امنیت عمومی یکسان دانست. زیرا امنیت عمومی در پی حفظ و حراست شهروندان از گزند آسیب‌ها و تعارضات است؛ در مقابل امنیت اجتماعی تمرکز بر گروه‌ها و واحدهای اجتماعی کرده که دارای هویت اجتماعی هستند و بیش‌تر اشاره به برخی از جنبه‌های تعامل گروه‌های اجتماعی از جمله اعتماد، صداقت، وفاداری و... می‌کند (نویدینیا، ۱۳۸۵).

امنیت اجتماعی به پیوندها و تعلقات مشترک میان اعضای گروه‌ها و اجتماعات نظر دارد و به حفظ تعلقات و پیوندهایی که شیرازه مجموعه را تشکیل می‌دهد، معطوف است. از این رو گروه‌ها به دلیل آن که افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهند، تعلقات مشترکی را دامن می‌زنند و گونه‌ای از هویت جمعی هستند، مستوجب حفاظت و برخورداری از امنیت می‌شوند. امنیت اجتماعی به عوامل پیوند میان اعضای گروه‌ها مانند عامل قومی، جنسی، ملی، اعتقادی، شغلی و هنری توجه داشته و محافظت و پاسداری از آن‌ها را وظیفه خود می‌داند (نویدینیا، ۱۳۸۲).

گیدنز برای جوامع مختلف که از سطوح مختلف مدرنیته بهره‌مند هستند دو وجه زندگی را در ادامه دو وجه از امنیت طرح می‌کند: در وجه عینی شیوه زندگی، امکان زندگی برای تمام افراد به گونه‌ای فراهم است که جامعه نوین تعریف می‌شود. در این جامعه افراد از سطح قابل قبولی برای گذران زندگی و انتخاب شیوه زندگی بهره‌مند هستند. اما در بحث امنیت ذهنی که معطوف به خشنودی و رضایت فرد از خویش است، با نحوه انتخاب راه و روش زندگی این وجه محقق خواهد شد (گیدنز، ۱۹۹۰).

پیشینه پژوهش: خوشفر و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به «بررسی نقش امنیت اجتماعی در توسعه گردشگری: (مورد مطالعه، تفرجگاه‌های استان خراسان جنوبی)» پرداخته‌اند. نتایج حاصل از تبیین داده‌ها نشان داد که میزان احساس امنیت اجتماعی گردشگران در سطح زیاد (۳/۴۵)

از ۵) قرار دارد. یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین رضایت گردشگران از نقش نیروی انتظامی (سطح معناداری ۰/۰۰۱) و احساس امنیت اجتماعی وجود دارد و به دنبال آن بین احساس امنیت اجتماعی گردشگران بازدیدکننده از مقاصد گردشگری و تفرجگاهی استان خراسان جنوبی با تمایل به سفر مجدد به این استان رابطه معناداری وجود دارد. نتایج آزمون‌های تحلیلی فرضیه‌های اصلی تحقیق نشان می‌دهد که میان دو متغیر وابسته (امنیت اجتماعی) و متغیر مستقل (رضایت از نقش نیروی انتظامی) رابطه معناداری وجود دارد و جهت این رابطه مثبت و مستقیم است. یعنی با افزایش شدت رضایت از نقش نیروی انتظامی در جامعه برای افراد، میزان امنیت اجتماعی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. شدت رابطه نیز در حد متوسط است. هزارجریبی (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «احساس امنیت اجتماعی از منظر توسعه گردشگری» انجام داده است. وی افزایش رونق جهانگردان را موجب رونق کسب و کار و افزایش درآمد برای شرکت‌های جهانگردی دانسته است. همچنین توسعه گردشگری به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته، عامل مؤثری برای مقابله با فقر است و موجب افزایش درآمد قشرهای مختلف، کاهش بیکاری و رونق اقتصادی و اجتماعی می‌شود. هدف پژوهش یادشده، شناخت میزان احساس امنیت اجتماعی و تعاملات مردم با گردشگران خارجی است. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که بین احساس امنیت اجتماعی و گردشگری رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد. به‌عبارت دیگر هرچقدر احساس امنیت اجتماعی گردشگران افزایش یابد به‌همان اندازه تمایل آنان به اقامت در ایران و حتی سفرهای مجدد، بیشتر خواهد شد.

خوشفر و همکاران (۱۳۹۰) مطالعه‌ای با عنوان «بررسی احساس امنیت فردی و اجتماعی از دیدگاه گردشگران و عوامل مؤثر بر آن مطالعه موردی: (گردشگران منطقه گردشگری ناهارخوران و النگ‌دره شهر گرگان)» انجام دادند. در این پژوهش، با تأکید بر فضاهای شهری، احساس امنیت اجتماعی و فردی گردشگران از بُعد جامعه‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که وجود احساس امنیت اجتماعی در گردشگاه‌های مورد مطالعه، دارای کارکردهای مثبت برای گردشگران و توسعه گردشگری است. تحلیل داده‌ها نیز نشان داد که بین عواملی مانند جنسیت، سن، سطح تحصیل و تعلق بومی با ارزیابی گردشگران نسبت به احساس امنیت فردی و

اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

ضرابی و زنگنه (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «جایگاه امنیت اجتماعی در توسعه صنعت گردشگری با تأکید بر ایران» اشاره می‌کنند که یکی از موانع بزرگ بر سر راه صنعت گردشگری در ایران، دیدگاه منفی برخی از گردشگران خارجی نسبت به وضعیت امنیت و لزوم تأمین امنیت برای گردشگران و جهانگردان در ایران است. این مقاله که با روش کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده، ضمن پرداختن به نقش امنیت اجتماعی در توسعه پایدار گردشگری به ویژه توسعه گردشگری ایران، پیامدهای مثبت و منفی امنیت در گردشگری را توصیف می‌کند و در نهایت به ارائه راهکارهای ارتقاء امنیت اجتماعی گردشگری ایران می‌پردازد.

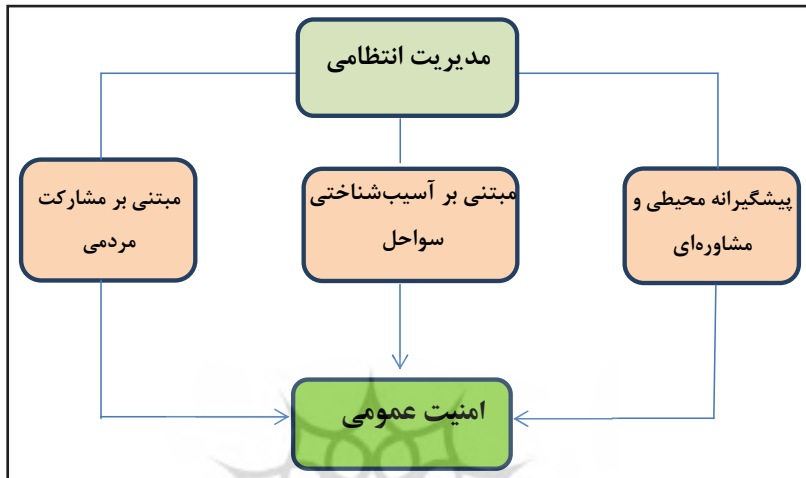
خلیفه‌سلطانی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر حفظ امنیت اجتماعی توریسم در منطقه: (مطالعه موردی گردشگران خارجی استان اصفهان) پرداختند. در این پژوهش اشاره به این می‌کنند که میزان احساس امنیت گردشگر؛ توسط دو متغیر نقش نیروی انتظامی و تبلیغات در کشور، سنجیده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که بین نقش نیروی انتظامی و احساس امنیت اجتماعی در جامعه میزبان، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین تبلیغات و رسانه‌ها بر احساس امنیت توریست تأثیر مستقیم دارند و رابطه بین این دو متغیر مثبت و معنادار است.

اریس انور و همکاران^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی نحوه اثرگذاری برنامه شهر ایمن به عنوان مبنای پایه‌ای در صنعت توریسم؛ مطالعه موردی شهر پورتراجیا پرداختند. محققان بر این باورند که بعد امنیت یکی از مسائل برجسته در بین گردشگران حوزه گردشگری شهری است. اهمیت مسئله به اندازه‌ای است که منجر به اجرای برنامه شهر ایمن از سال ۲۰۰۴ شده است. جامعه آماری این تحقیق گردشگران محلی هستند. پاسخ‌گویان بر این باورند که برنامه‌های پیشگیری از جرم در برنامه شهر ایمن، رویکردی مهم برای امنیت گردشگران است.

الگوی مفهومی پژوهش

براساس ادبیات تحقیق، مدیریت انتظامی و مؤلفه‌های آن شامل «مبتنی بر آسیب‌شناختی سواحل و

مدیریت انتظامی مبتنی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد و مدیریت انتظامی پیشگیرانه محیطی» به‌عنوان متغیر مستقل و امنیت عمومی به‌عنوان متغیر وابسته است.



نمودار ۱. الگوی مفهومی پژوهش

فرضیه‌ها

- بین مدیریت انتظامی سواحل و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معنادار وجود دارد.
- بین مدیریت انتظامی پیشگیرانه محیطی و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معنادار وجود دارد.
- بین مدیریت انتظامی مبتنی بر آسیب‌شناختی سواحل و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معنادار وجود دارد.
- بین مدیریت انتظامی مبتنی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معنادار وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، پیمایشی از نوع توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری شامل افراد بالای ۱۵ سال به تعداد ۸,۰۰۰,۰۰۰ نفری (بومی و وگرددشگران) است که به‌نحوی

از ساحل استفاده می‌کنند و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق‌ساخته است که توسط استادان و کارشناسان امر مورد تأیید واقع شد. تعداد ۳۸۴ پرسش‌نامه بین افراد نمونه توزیع که از بین آن‌ها تعداد ۳۵۸ پرسش‌نامه جمع‌آوری و مورد محاسبه آماری قرار گرفت. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۰ محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (جمعیت‌شناسی) و استنباطی (آزمون تی متغیره) بهره گرفته شد.

توصیف داده‌ها

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
زن	۹۴	٪۲۶
مرد	۲۶۴	٪۷۴
کل	۳۵۸	٪۱۰۰

مطابق جدول شماره ۱، ۲۶٪ پاسخ‌گویان را زنان و ۷۴٪ را نیز مردان تشکیل داده‌اند.

یافته‌ها

فرضیه اصلی: بین مدیریت انتظامی سواحل و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معنادار وجود دارد.

بین مدیریت انتظامی سواحل و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معنادار وجود ندارد.

$$H_0: \rho = 0$$

بین مدیریت انتظامی سواحل و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معنادار وجود دارد. $H_1: \rho \neq 0$

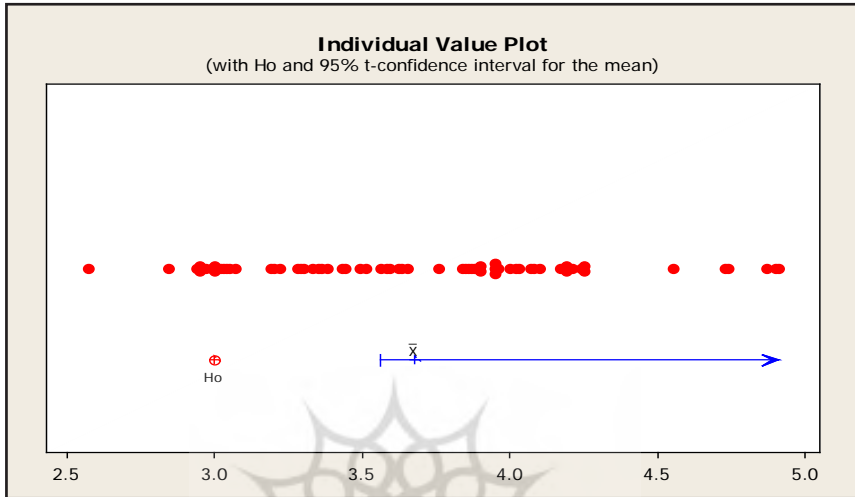
جدول ۲. آزمون تی فرضیه اصلی

تعداد آزمودنی‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	مقدار تی	درجه آزادی	آلفا	(سطح معناداری)
۳۵۸	۳/۵۳	۰/۶۹	۱۴/۷۰	۳۵۷	۰/۰۵	۰/۰۰۰

باتوجه به این که در جدول شماره ۲ سطح معناداری از سطح $\alpha = ۰/۰۵$ کمتر است و همچنین

باتوجه به بیشتر بودن مقدار میانگین محاسبه شده (۳/۵۳) از مقدار نظری ۳ با ۹۵٪ اطمینان،

فرضیه H_1 تحقیق تأیید می‌شود و این نتیجه حاصل می‌شود که بین مدیریت انتظامی سواحل و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معناداری وجود دارد.



نمودار ۲. نمودار نقطه‌ای میانگین نمرات آزمودنی به فرضیه اصلی

فرض صفر: میانگین پاسخ‌ها $3 >$ فرض تحقیق: میانگین پاسخ‌ها $3 \leq$

در نمودار شماره ۲، پراکندگی از میانگین مقدار نظری یعنی ۳ به سمت راست و در حال افزایش است، یعنی از نظر پاسخ‌گویان نمره رابطه بین دو متغیر از ۵، نمره ۳/۵۷ اختصاص داده شده است که وضعیت بالاتر از متوسط را نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان استنباط کرد که بین دو متغیر مدیریت انتظامی سواحل و امنیت عمومی رابطه وجود دارد.

فرضیه فرعی اول: بین مدیریت انتظامی پیشگیرانه محیطی و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معنادار وجود دارد.

بین مدیریت انتظامی پیشگیرانه محیطی و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معنادار وجود ندارد.

$$H_0: \rho = 0$$

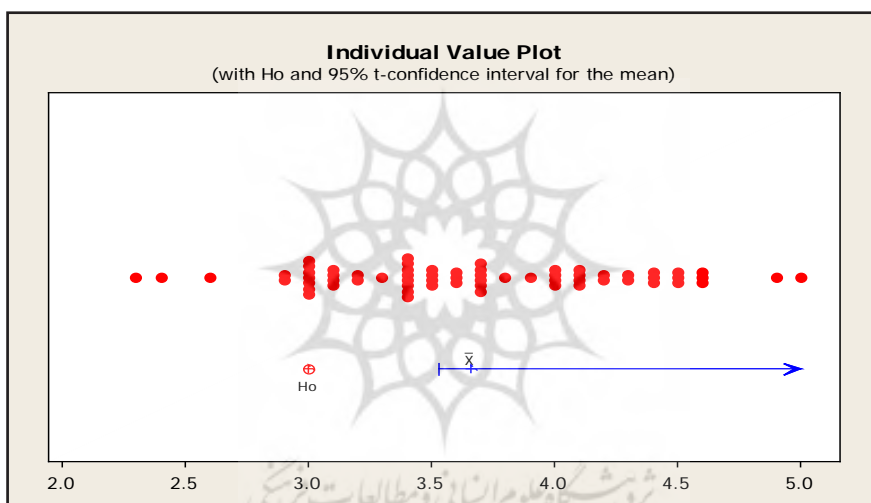
بین مدیریت انتظامی پیشگیرانه محیطی و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معنادار وجود دارد.

$$H_1: \rho \neq 0$$

جدول ۳. آزمون تی فرضیه فرعی اول

تعداد آزمودنی‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	مقدار تی	درجه آزادی	آلفا	سطح معناداری
۳۵۸	۳/۵۲	۰/۷۵	۱۳/۰۳	۳۵۷	۰/۰۵	۰/۰۰۰

باتوجه به این که در جدول شماره ۳ سطح معناداری از سطح $\alpha = ۰/۰۵$ کمتر است و همچنین باتوجه به بیشتر بودن مقدار میانگین محاسبه شده (۳/۵۲) از مقدار نظری ۳، با ۹۵٪ اطمینان فرضیه H_1 تحقیق تأیید می‌شود و این نتیجه حاصل می‌شود که بین مدیریت انتظامی پیشگیرانه محیطی و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معناداری وجود دارد.



نمودار ۳. نمودار نقطه‌ای میانگین نمرات آزمودنی به فرضیه فرعی اول

فرض صفر: میانگین پاسخ‌ها $3 >$ فرض تحقیق: میانگین پاسخ‌ها $3 \leq$

در نمودار شماره ۳، پراکندگی از میانگین مقدار نظری یعنی ۳ به سمت راست و در حال افزایش است، یعنی از نظر پاسخ‌گویان نمره رابطه بین دو متغیر از ۵، نمره ۳/۵۲ اختصاص داده شده است که وضعیت بالاتر از متوسط را نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان استنباط کرد که بین دو متغیر مدیریت انتظامی پیشگیرانه محیطی و امنیت عمومی استان مازندران رابطه وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین مدیریت انتظامی مبتنی بر آسیب شناختی سواحل و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معنادار وجود دارد.

بین مدیریت انتظامی مبتنی بر آسیب شناختی سواحل و امنیت عمومی استان مازندران رابطه

$$H_0: \rho = 0 \text{ وجود ندارد.}$$

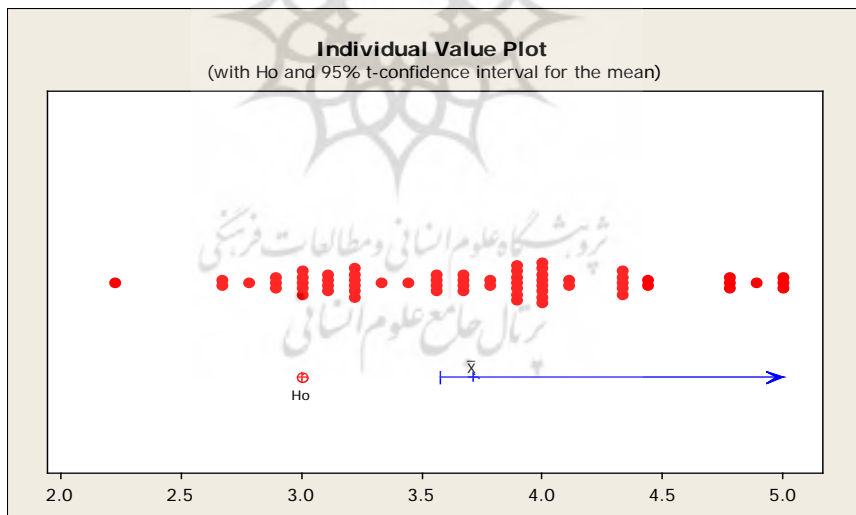
بین مدیریت انتظامی مبتنی بر آسیب شناختی سواحل و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معنادار

$$H_1: \rho \neq 0 \text{ وجود دارد.}$$

جدول ۴. آزمون تی فرضیه فرعی دوم

تعداد آزمودنی‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	مقدار تی	درجه آزادی	آلفا	سطح معناداری
۳۵۸	۳/۵۸	۰/۷۶	۱۴/۴۷	۳۵۷	۰/۰۵	۰/۰۰۰

باتوجه به این که در جدول شماره ۴ سطح معناداری از سطح $\alpha = ۰/۰۵$ کمتر است و همچنین باتوجه به بیشتر بودن مقدار میانگین محاسبه شده (۳/۵۸) از مقدار نظری ۳، با ۹۵٪ اطمینان فرضیه H_1 تحقیق تأیید می‌شود و این نتیجه حاصل می‌شود که بین مدیریت انتظامی مبتنی بر آسیب‌شناختی سواحل و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معناداری وجود دارد.



نمودار ۴. نمودار نقطه‌ای میانگین نمرات آزمودنی به فرضیه فرعی دوم

فرض صفر: میانگین پاسخ‌ها $3 >$ فرض تحقیق: میانگین پاسخ‌ها $3 \leq$

در نمودار شماره ۴، پراکندگی از میانگین مقدار نظری یعنی ۳ به سمت راست و در حال افزایش است، یعنی از نظر پاسخ‌گویان نمره رابطه بین دو متغیر از ۵، نمره ۳/۵۲ اختصاص داده شده است که

وضعیت بالاتر از متوسط را نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان استنباط کرد که بین دو متغیر مدیریت انتظامی مبتنی بر آسیب شناختی سواحل و امنیت عمومی استان مازندران رابطه وجود دارد. فرضیه فرعی سوم: بین مدیریت انتظامی مبتنی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معنادار وجود دارد.

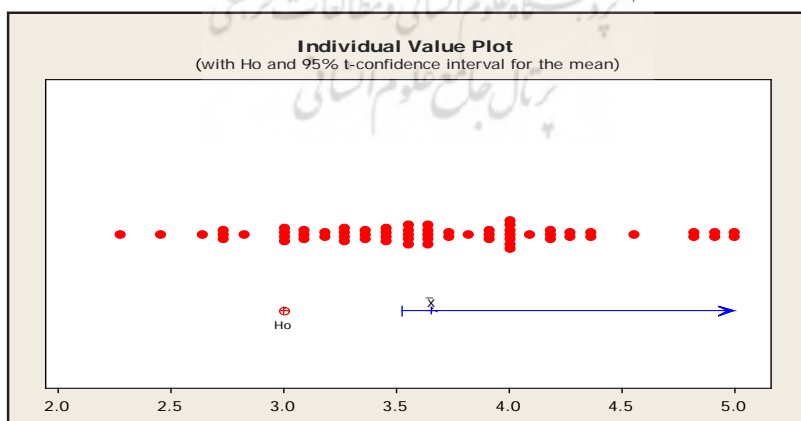
بین مدیریت انتظامی مبتنی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معنادار وجود ندارد. $H_0: \rho = 0$

بین مدیریت انتظامی مبتنی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معنادار وجود دارد. $H_1: \rho \neq 0$

جدول ۵. آزمون تی فرضیه سوم

تعداد آزمودنی‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	مقدار تی	درجه آزادی	آلفا	سطح معناداری
۳۵۸	۳/۵۰	۰/۷۱	۱۳/۳۵	۳۵۷	۰/۰۵	۰/۰۰۰

باتوجه به این که در جدول شماره ۵، سطح معناداری از سطح $\alpha = ۰/۰۵$ کمتر است و همچنین باتوجه به بیشتر بودن مقدار میانگین محاسبه شده (۳/۵۰) از مقدار نظری ۳، با ۹۵٪ اطمینان فرضیه H_1 تحقیق تأیید می‌شود و این نتیجه حاصل می‌شود که بین مدیریت انتظامی مبتنی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معناداری وجود دارد.



نمودار ۵. نمودار نقطه‌ای میانگین نمرات آزمودنی به فرضیه فرعی سوم

فرض تحقیق: میانگین پاسخ‌ها ≤ 3

فرض صفر: میانگین پاسخ‌ها > 3

در نمودار شماره ۵، پراکندگی از میانگین مقدار نظری یعنی ۳ به سمت راست و در حال افزایش است، یعنی از نظر پاسخ‌گویان نمره رابطه بین دو متغیر از ۵، نمره ۳/۵۰ اختصاص داده شده است که وضعیت بالاتر از متوسط را نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان استنباط کرد که بین دو متغیر مدیریت انتظامی مبتنی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد و امنیت عمومی استان مازندران رابطه وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

امنیت عمومی پیش‌زمینه یک جامعه سالم و احساس امنیت بستر ساز توسعه جوامع انسانی است. امنیت چیزی جز تفاهم و مشارکت عمومی جمعیت ساکن یک واحد سیاسی برای رسیدن به رفاه عمومی نیست، نقش فعال پلیس و عملکرد هوشمندانه آن در هنگام خطر مهم‌ترین مؤلفه تأثیرگذار بر افزایش امنیت عمومی گردشگران و ساحل‌نشینان بوده است. اما این که چگونه پلیس می‌تواند امنیت را در جامعه و بین شهروندان و گردشگران ایجاد کند، مقوله‌ای است که به میزان عملکرد پلیس و یا به عبارت دیگر، به عملکرد جامعه‌مداری یا جامعه‌محوری پلیس برمی‌گردد. زمانی این رویکرد می‌تواند در جامعه اجرا شود که مسائلی از قبیل، امنیت عمومی و نظم اجتماعی با مشارکت شهروندان (جامعه‌میزبان و میهمان) تأمین شود، پیشگیری بر مقابله پیشی گیرد، آموزش همگانی قانونی وجود داشته باشد و نظام اخلاقی پلیس رعایت شود. در این صورت و با آشنایی شهروندان از حقوق و تکالیف مدنی و اجتماعی خود، امنیت عمومی در شهر برقرار می‌شود. ولی واقعیت این است که جامعه ایرانی جامعه‌ای است که اعتماد از بنیادهای اساسی روابط اجتماعی در آن بوده است که در طی چند دهه اخیر به واسطه سرعت و شدت تغییر و تحولات اجتماعی دچار اختلال شده است. بنابراین ترسیم آنچه در حوزه روابط بین فردی شامل اعتماد بین خویشاوندی و وجه اعتماد تعمیم یافته می‌گذرد، ضروری به نظر می‌رسد. در این بین سازوکارهای متعددی می‌توانند نقش آفرینی کنند که از جمله به نقش رسانه‌ها می‌توان اشاره داشت. اصولاً تا امنیت عمومی برقرار نباشد سفری شکل نخواهد گرفت و سخن گفتن از استفاده از ساحل، بیهوده خواهد بود. براساس آنچه گفتیم هرگاه در سطح جامعه ساحلی بستر مناسبی (امنیت عمومی) فراهم باشد، افراد سفر

می‌کنند و به دنبال آن فعالیت‌های مربوط به ساحل رونق می‌یابند و اگر مسافران و گردشگران نسبت به مقصد ساحلی احساس ناامنی داشته باشند، هرگز به آن‌جا سفر نمی‌کنند.

یافته‌های حاصل از تحقیق نشان می‌دهد بین مدیریت انتظامی ساحل و امنیت عمومی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و این نتیجه حاصل می‌شود که مدیریت انتظامی سواحل در امنیت عمومی استان مازندران تأثیر دارد. نتایج فرضیه فرعی اول نشان می‌دهد که بین مدیریت انتظامی پیشگیرانه محیطی و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معنادار وجود دارد که این نتیجه با نتایج پژوهش‌های خوشفر و همکاران (۱۳۹۲)، ضرابی و زنگنه (۱۳۸۹)، خوشفر و همکاران (۱۳۹۰)، هزارجریبی (۱۳۹۰) و براک پاتر و جرمی میلر وی (۲۰۰۶) هم‌سو است. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت امکانات و تجهیزات نیروی انتظامی در سواحل بر امنیت عمومی مؤثر است. امروزه پلیس با پوشش مناسب فیزیکی از طریق گسترش پاسگاه‌ها و کلانتری‌ها در همه جا نظارت دارد و حضور گسترده و نزدیک پلیس در تمام مناطق باعث شده که آن‌ها همیشه در دسترس باشند. همچنین تهیه بروشور و نصب بنر توسط نیروی انتظامی در سواحل بر امنیت عمومی مؤثر است. حضور نیروهای انتظامی با کارکرد اطلاع‌رسانی و آموزش شهروندان در اطراف سواحل نیز تأثیر بسزایی بر امنیت عمومی استان مازندران دارد. نتایج فرضیه فرعی دوم نشان می‌دهد که بین مدیریت انتظامی مبتنی بر آسیب‌شناختی سواحل و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معنادار وجود دارد که این نتیجه با نتایج پژوهش‌های خوشفر و همکاران (۱۳۹۲)، ضرابی و زنگنه (۱۳۸۹)، خوشفر و همکاران (۱۳۹۰)، هزارجریبی (۱۳۹۰) و براک پاتر و جرمی میلر وی (۲۰۰۶) هم‌سو است. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت در راستای مقابله با بدحجابی و بدپوششی در اطراف سواحل، حضور پلیس مؤثر است و حضور نیروهای انتظامی با کارکرد کنترل قاچاق و پخش و مصرف مشروبات الکلی در اطراف سواحل بر امنیت عمومی مؤثر بوده است. همچنین حضور نیروهای انتظامی با کارکرد کاهش آمار غریق نیز نقش خوبی در ایجاد احساس امنیت در شهروندان داشته است. حضور نیروهای انتظامی با کارکرد کاهش مزاحمت‌ها برای مردم از سوی اراذل و اوباش اطراف سواحل و همچنین با کارکرد تأمین امنیت اخلاقی در اطراف سواحل بر امنیت عمومی استان مازندران مؤثر بوده است. نتایج فرضیه فرعی سوم نشان

می‌دهد که بین مدیریت انتظامی مبتنی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد و امنیت عمومی استان مازندران رابطه معنادار وجود دارد که این نتیجه با نتایج پژوهش‌های خوشفر و همکاران (۱۳۹۲)، ضرابی و زنگنه (۱۳۸۹)، خوشفر و همکاران (۱۳۹۰)، هزارجریبی (۱۳۹۰) و براک پاتر و جرمی میلر وی (۲۰۰۶) هم‌سو است. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت پلیس با مردم تعامل عاطفی و برخورد دوستانه و محترمانه‌ای دارد و شرایط برای مشارکت اجتماعی داوطلبانه وجود دارد. همچنین مدیریت انتظامی بر مسئولیت‌پذیری مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در سواحل جهت برقراری امنیت عمومی مؤثر است و بر مشارکت مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در سواحل برای برقراری امنیت عمومی تأثیر بسزایی دارد. به‌طور کلی مدیریت انتظامی سواحل و امنیت عمومی دو مقوله وابسته به یکدیگر و در ارتباط تنگاتنگ هستند که در تعامل دوجانبه هم می‌توانند تأثیر افزایشی بر هم داشته باشند و هم تأثیر کاهش‌ی؛ به این معنا که افزایش یا کاهش امنیت عمومی، باعث رونق یا رکود مدیریت انتظامی خواهد شد و برعکس؛ بنابراین مدیریت انتظامی ارتباط مستقیم با مقوله امنیت عمومی در ساحل دارد. ایجاد امنیت، تسهیلات و ارائه امکانات رفاهی و خدماتی لازم به گردشگران و ساحل‌نشینان از جمله وظایف اصلی دولت‌ها نسبت به سواحل است.

به‌طور خلاصه آنچه در رسیدن به امنیت عمومی در سواحل اصل و اساس است؛ کاهش تهدیدها و افزایش فرصت‌ها در بستر ساحل است؛ به‌عبارتی، باید فضایی در جامعه ساحلی ایجاد شود که فرصت‌یابی بر کاهش تهدیدها غلبه پیدا کند و این امر ممکن نیست مگر این‌که اصولی چون جامعه‌محوری، پیشگیری، همکاری و هماهنگی نظام‌مند، مشارکت و نظارت عمومی مورد دقت نظر تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران و سیاست‌سازان امر امنیت عمومی قرار گرفته و سرلوحه افکار و اعمال آنان باشد. با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شود:

پیشنهادهای

۱. فرهنگ‌سازی استفاده از سواحل دریا با تهیه بروشورها و بنرهای هشداردهنده توسط نیروی انتظامی به منظور اطلاع‌رسانی به عموم مردم و گردشگران در شهرهای ساحلی استان؛
۲. ارائه خدمات مشاوره‌ای انتظامی به عموم مردم شهرهای ساحلی و گردشگران؛

۳. خلق فرصت‌های مختلف آموزشی برای معرفی دقیق، جامع و اصولی مشاوره انتظامی با رویکرد پیشگیرانه؛
۴. همکاری با مدیران طرح‌های سالم‌سازی دریا؛
۵. ارائه هشدارهای پلیسی و انتظامی به مسافران در مراقبت از اموال برای پیشگیری از سرقت، مراقبت از فرزندان و خانواده حین شنا در دریا؛
۶. شناخت چرخه‌های آسیب‌پذیر، نیروها و عرصه‌های فعالیت‌های مناسب برای ایجاد امنیت اجتماعی سواحل؛
۷. نظارت و کنترل نیروهای انتظامی بر سواحلی که در اختیار نهادهای رسمی و یا در اختیار اشخاص حقیقی قرار دارد؛
۸. مدیریت صحیح در پارک خودروها و کاهش سرقت آن و آرامش خاطر گردشگران از وجود امنیت عمومی در شهرهای ساحلی استان؛
۹. مقابله فرهنگی و انتظامی با ناهنجاری‌های رفتاری در پوشش و آرایش و پیگیری قانون مدون و ثابت در برخورد با ناهنجاری‌های اجتماعی و برهم‌زنندگان نظم عمومی؛
۱۰. افزایش تعامل و همکاری بین نیروی انتظامی و مردم در قالب همیاران پلیس، بسیج و همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد برای افزایش احساس امنیت سواحل؛
۱۱. ایجاد سازوکاری برای ترویج همکاری کاربران مناطق ساحلی اجمله بخش خصوصی و دولتی با نیروی انتظامی برای ارتقای امنیت؛
۱۲. تأکید بر مشارکت مقام‌های محلی و مردم بومی در موفقیت مدیریت انتظامی سواحل محیطی دریا و افزایش دسترسی عموم مردم به سواحل دریا؛
۱۳. مشارکت فعالان اجتماعی، اقتصادی و نهادهای جامعه‌محور و رسانه‌ها در سطوح محلی و منطقه‌ای.

منابع

- احمدی بالادهی، سیدمهدی (۱۳۹۲). سنجش میزان رضایتمندی شهروندان ساوی از عملکرد پلیس در احساس امنیت. طرح پژوهشی به سفارش دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان مازندران.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴). ساختار اجتماعی امنیت. مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی. تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس. پژوهشکده مطالعات راهبردی (مترجم). تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- توماس، کارولین (۱۳۸۲). حکومت جهان توسعه و امنیت انسانی. مرتضی عمرانی (مترجم). تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خلیفه سلطانی و همکاران (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر حفظ امنیت اجتماعی توریسم در منطقه: (مطالعه موردی گردشگران خارجی استان اصفهان). مجله پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. ۱(۱).
- خوش‌فر و همکاران (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی و رفتار مردم نسبت به محیط زیست در استان مازندران (مطالعه موردی: شهرهای آمل، بابل، بابلسر، بهشهر، تنکابن، رامسر، ساری، محمدآباد و نکا). همایش استانی بررسی مسایل اجتماعی استان مازندران. بابلسر.
- ریتزر، جرج و گودمن، جی داگلاس (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی مدرن. خلیل میرزایی و عباس لطفی‌زاده (مترجمان). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- سیدایی، سیداسکندر و هدایتی‌مقدم، زهرا (۱۳۹۰). نقش امنیت در توسعه گردشگری. فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر. ۴(۸)، ۹۷-۱۱۰.
- ضرابی، اصغر و زنگنه، مهدی (۱۳۸۹). جایگاه امنیت اجتماعی در توسعه صنعت گردشگری با تأکید بر ایران. همایش منطقه‌ای صنعت توریسم. خمینی‌شهر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر.
- گسن، ریموند (۱۳۷۰). جرم‌شناسی کاربردی. مهدی کی‌نیا (مترجم).
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی. منوچهر صبوری (مترجم). تهران: نشرنی.
- مصطفی‌نژاد، حسن (۱۳۹۳). الگوی برای مدیریت انتظامی بحران‌های قومی ایران. رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات زرین.
- نویدینیا، منیژه (۱۳۸۲). درآمدی بر امنیت اجتماعی. فصلنامه مطالعات راهبردی. ۶(۱).
- نویدینیا، منیژه (۱۳۸۵). تأملی نظری در امنیت اجتماعی با تأکید بر گونه‌های امنیت. علوم سیاسی مطالعات راهبردی. شماره ۳.
- نویدینیا، منیژه (۱۳۸۸). امنیت اجتماعی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ویکلین، پتیر (۱۳۸۱). اقتصاد سیاسی ارتباطات جهانی و امنیت انسانی. مرتضی بحرانی (مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هزارجریبی، جعفر (۱۳۹۰). بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت: مطالعه در میان شهروندان تهرانی. فصلنامه انتظام اجتماعی. ۱(۳).
- Colman, J. (1999). Foundations of social theory. Manouchehr Saboury. Tehran: Ney publications.
- Giddens, A. (1990). The Consequences of Modernity. Stanford: Clif Stanford University Press.
- Lerner, D. (1964). The Passing of The Traditional Society. Freepress; Newyork.
- Lipset, S.M. (1963). Political Man. London: Mercury Books.